موضوع: علم حضوری و علم حصولی

پیشینه بحث معقولات اولی و ثانوی

در جلسه قبل درباره معقولات اولی و معقولات ثانوی و تفاوت های آن با هم بحث شد و این مساله نیز مطرح شد که چرا علامه طباطبایی مفاهیم ثانوی را مفاهیم اعتباری و مفاهیم اولی را مفاهیم حقیقی نامیده است.

اکنون به بررسی پیشینه این تقسیم بندی در مورد معقولات اولی و ثانیه می پردازیم. بی شک این بحث از مباحثی است که توسط اندیشمندان اسلامی مطرح شده است و از مباحثی نبوده که در جهان یونان مطرح شده و به جهان اسلام آمده باشد. در مورد شروع این بحث، اطلاع دقیقی در دست نیست اما آنچه از کتب فلسفی به دست می آید این است که این مساله در زمان ابن سینا مطرح بوده و ایشان در کتاب «التعلیقات» در این باره گفته است: موضوع منطق، معقولات ثانیه مستند به معقولات اولیه است از این حیث که بواسطه آنها از معلومی به مجهولی پی برده می شود. از باب مثال (مفهوم) جسم و حیوان و مانند آنها معقول اولیه هستند و معقولات ثانیه مستند به آنها عبارت از کلی یا جزئی یا شخصی بودن آنها.[[1]](#footnote-1)

محقق طوسی در «شرح اشارات»، پس از بیان اینکه موضوع منطق معقولات ثانیه است گفته است: معقولات ثانیه عوارضی هستند که بر معقولات اولیه و حقایق موجودات و احکام عقلی آنها عارض می گردد.[[2]](#footnote-2) و بعد سید صدر الدین دشتکی شیرازی معروف به سید مدققین (م 930 هـ) در این باره گفته است: تعریف معقولات ثانیه که از قدما نقل شده این است که معقولات ثانیه عوارض عقلی هستند که در خارج از ذهن چیزی در ازای آنها نیست و مفاهیمی مانند کلی، جزئی، قضیه، شی، ذات، ماهیت، علت، معلول و ممکن را مصادیق آن دانسته اند.[[3]](#footnote-3) مثال هایی که ایشان برای معقولات ثانیه ذکر کرده برخی معقولات منطقی و برخی معقولات فلسفی هستند. نتیجه اینکه در کلمات قدمای فلسفه هم معقولات منطقی و هم فلسفی ذکر شده است اما از هم جدا نشده اند. تفکیک اینها از یکدیگر پس از خواجه نصیر الدین طوسی انجام شده است زیرا ایشان شیئیت را از معقولات ثانیه که وجودی منحاز در خارج نداشته اند دانسته است.[[4]](#footnote-4)

برخی بر خواجه نصیر اشکال کرده گفته اند: اینکه شما شیئیت را از معقولات ثانیه دانسته اید که ما بازاء در خارج ندارد، به این معنا است که آن را در ردیف کلیت و جنسیت به شمار آورده اید که از معقولات ثانیه است، در حالی که شیئیت هر چند در خارج نیست اما اتصاف آن مربوط به خارج است.

در مقام دفاع از خواجه گفته اند شما بین معقولات ثانیه منطقی و معقولات فلسفی خلط کرده اید. مرحوم خواجه که شیئیت را از معقولات ثانیه دانسته از معقولات ثانیه فلسفی دانسته نه منطقی.

این اشکال و پاسخ سبب شد که بحث معقولات منطقی از معقولات فلسفی به صورت مستقل مطرح شود و از کسانی که به صورت روشن این کار را انجام داده، مرحوم صدرالمتالهین است. ایشان در جلد اول اسفار در بحث تتمه احکام وجود و عدم، به این مساله پرداخته اند که وجود چگونه از معقولات ثانیه فلسفی است[[5]](#footnote-5). ایشان سپس به تعریف آن پرداخته که خلاصه کلام ایشان چنین است:

1. معقولات ثانیه منطقی، محمولاتی کلی هستند که ناظر به مفاهیم ذهنی می باشند. قضایایی که از آنها تشکیل می شود قضایای ذهنی است. از آنجا که این مفاهیم کلی مربوط به وجود ذهنی معقولات اولیه هستند، معقولات ثانیه منطقی نامیده شده اند.

2. در مورد معقولات ثانیه فلسفی دو اصطلاح عام و خاص وجود دارد: اصطلاح خاص آن این موارد را در بر می گیرد:

الف) محمولات کلی مانند واجب و ممکن و ممتنع؛

ب) مبادی ذهنی و انتزاعی این محمولات مانند وجوب و امکان و امتناع؛

ج) طبایع مصدریه مانند موجودیت، علیت ، معلولیت.

د) لوازم ماهیت مانند زوجیت برای اربعه.

هـ) نسب و اضافات مانند ابوت و اخوت.

معقولات ثانیه در اصطلاح عام هم شامل دو دسته از قضایا می شود:

الف) قضایای ذهنی که همان معقولات ثانیه منطقی هستند،

ب) قضایای حقیقی که مربوط به لوازم ماهیت می باشند.

بعد از صدرالمتالهین، محقق لاهیجی در کتاب «شوارق الالهام»[[6]](#footnote-6) این بحث را مطرح کرده و به صورت روشن از دو دسته مفاهیم منطقی و فلسفی سخن به میان آورده و سپس وجه اشتراک و اختلاف آنها را بیان کرده است.

حکیم سبزواری نیز در بخش امور عامه منظومه حکمت، یکی از غررها را به بحث معقولات ثانیه اختصاص داده و مباحثی که مطرح کرده حاصل همان مطالبی است که صدرالمتالهین و حکیم لاهیجی بیان کرده اند.[[7]](#footnote-7)

علامه طباطبایی نیز این بحث در «بدایه الحکمه» و «نهایه الحکمه» و «اصول فلسفه» مطرح کرده اند. اما در این میان شهید مطهری مفصل ترین مباحث را درباره معقولات ثانیه مطرح کرده اند.[[8]](#footnote-8) ایشان به نقشی که این بحث در معرفت شناسی و حل مساله شناخت داشته پرداخته و طرح این بحث در فلسفه اسلامی را یکی از معجزات فکری بشر به شمار آورده اند.

انشاءالله در جلسه آینده به ادامه این بحث می پردازیم

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. التعلیقات، شیخ الرئیس ابن سینا، ص 167 [↑](#footnote-ref-1)
2. شرح الاشارات، ج1، ص 9 [↑](#footnote-ref-2)
3. شوارق الالهام، ج1، ص 291 [↑](#footnote-ref-3)
4. کشف المراد، مقصد اول، فصل اول، مساله 18 [↑](#footnote-ref-4)
5. اسفار، صدرالمتالهین، ج1، ص 3332- 335 [↑](#footnote-ref-5)
6. شوارق الالهام، محقق لاهیجی، ج1، ص 288- 289 [↑](#footnote-ref-6)
7. شرح منظومه، حاجی سبزواری، مقصد اول، غرر هشتم [↑](#footnote-ref-7)
8. مفصل این بحث را ایشان در شرح مبسوط منظومه آورده اند. ر.ک: کتاب اندیشه های مطهر، اثر نگارنده، ص 85- 126 [↑](#footnote-ref-8)